



● هادی غنیمی فرد

تجربه ای پربار از نهضت تعاون ایران

شهرک صنایع آلومینیوم شمس آباد

گوهری در نهضت تعاون

با حضور آقای وزیر در زمین هایی که امروز شهرک صنعتی تعاونی صنایع پروفیل آلومینیوم و صنایع وابسته نام دارد دیگر آن جوسازی ها و بی اعتمادی ها کم رنگ شد و تعدادی از اعضا اطمینان پیدا کردند که این شهرک، شهرک صنعتی خواهد شد.

مراجعه اعضا برای دریافت زمین کم کم شروع شد و در محلی که کلنگ زده شده بود ساختمان معروف به بورس نیز برپا گردید و برای سوله آن با شرکت دولتی سازنده سوله قرارداد بسته شد که سوله به شکل اسکلت ظرف دو ماه تحویل و نصب شد، چند نفر از اعضا تعاونی هم شروع به ساخت و ساز در شهرک تعاونی کردند.

در اول کار با تشویق مدیریت، افراد خودشان ساختمانهایشان را شروع کردند، از جمله آقایان حاج اصغر - کارخانه های پالپ - سلمان طرف ساختن سوله های خود را با خرج خود آغاز کردند، در همین موقع یکی از خریداران سوله هائی که یک سازمان دولتی در زمان جنگ برای نصب در مناطق جنگی جنوب آماده کرده بود و دیگر مورد نیاز نبود (در مزایده خریده بود) به تعاونی مراجعه و اعلان کرد که کلیه سوله های خریداری را حاضر است بطور قسطی که بتدریج بهای آن پرداخت شود به تعاونی بفروشد، لذا با این امکان و تصویب هیئت مدیره تعاونی تصمیم گرفت خود برای اعضا، کارخانه بسازد، اولین دو نفری که برای ساخت سوله مراجعه کردند آقایان اسماعیل روستا و دلانی بودند - سوله آماده کرده برای ایشان به قیمت متری ۲۲ هزار تومان در اقساط سه ساله قرارداد بسته شد - آجر از شرکت آجر اصفهان نیز قسطی خریداری گردید و آهن آلات برای شناژ - سیمان - ماسه - سنگ و کلیه مصالح به اعتبار شخصی مدیرعامل خریداری و به کارگاه حمل می شد و قیمت های قرارداد دیوار - سوله - ساختمان اداری که برای اعضا انجام شده است و در بایگانی برای طرفهای قرارداد در تعاونی موجود است.

در سال ۱۳۷۰ با شروع کار دولت جدید، آمریکا کشور ما را تحت فشار شدید قرار داد، قیمت نفت حتی به بشکه ای زیر ۱۰ دلار رسید، دولت با ارضیای که به شکل بدهی از دولت قبل برده بوده هیچگونه ارزی برای فعالیتهای صنعتی در اختیار نداشت، مسئله مواد اولیه برای همه کارخانه هائی که مرادشان وارداتی بود به شکل بحران سختی درآمد، کارخانه ها تقریباً فلج شده بودند و کاری نداشتند که انجام دهند این بحران مدت سه سال بطول انجامید.

دوستانی که به تعاونی بدهکار بودند توان پرداخت نداشتند و تعاونی هرگز چک هیچ یک از همکاران را (که گرفتاری مالی داشتند) در آن دوران به بانک ارائه نکرد؛ مدیران

آنچه در این جزوه به دست شما می رسد حقایقی است که مدت ۱۲/۵ سال با آن رو در رو مواجه بوده ایم و همه دقائق آنرا با هم بسر برده ایم، لذا آنچه که در اینجا تذکر داده می شود بیش از یک یادآوری نمی باشد، در این مدت آنچه که اتفاق افتاد به قرار زیر بود:

در ۱۵/مهرماه سال ۱۳۷۵ هیئت مدیره قبلی که دو سال و اندی امور تعاونی را در دست داشت بدون آنکه چیزی را تحویل دهد، شرکت تعاونی را بهمان حال رها کردند و رفتند، در حسابهای تعاونی حتی پولی که بشود با آن حقوق مهرماه آنسال کارکنان را پرداخت کرد و وجود نداشت، باقیمانده حساب بانکی را به نام کسانی که (اکثراً) اعضا هیئت مدیره بودند و پولی در حساب بستانکار بودند مواد اولیه به ایرالکو سفارش دادند و رفتند.

برای خاکبرداری همین شهرکی که در خدمت شماسست به پیمانکار خاکبرداری حدود ۸۳ میلیون تومان بدهکار بودند که به او قول داده بودند پرداخت خواهند کرد و بعداً حتی از امضاء صورتحسابها و قول خودشان هم طفره رفتند، اعضا تعاونی که زمین تهیه کرده بودند دستشان به جایی بند نبود، چنانچه آقایان دوگانی و دامادی برای گرفتن دفترچه زمین خود به شهرک صنعتی تهران رفته بودند که به آنها گفته شده بود این زمینی که شما خریده اید نه آب دارد - نه برق دارد و نه تلفن و گاز و نه ما آنرا به رسمیت می شناسیم، لذا ایشان در اولین جلسه اعضا با هیئت مدیره جدید مطالبه پولهای پرداختی خودشان را کردند.

در شرکت ایرالکو که تامین کننده مواد اولیه برای اعضا بود حتی مدیرعامل تعاونی را به اطاق مدیرعامل ایرالکو راه نمی دادند بطوریکه ملاقات ایشان با حتی یکی از کارکنان سطوح پائین قسمت فروش برایشان افتخار بود، تمام مواد اولیه دریافتی از ایرالکو به مجرای خاصی از مدیران آن زمان می رفت و گاه در حالیکه به بیشتر اعضا حتی در ماه ۳ تن هم مواد داده نمی شد در صورتهای تقسیم دیده شد که یکی از مدیران در ماه ۸ تریلی بیست و چند تنی بیلت از طریق تعاونی دریافت کرده است، در آنموقع تفاوت قیمت بیلت سهمیه ای و آزاد هر کیلو ۵۰۰ تومان بود؛ با انتخاب هیئت مدیره جدید و مراجعه مکرر مدیرعامل به ایرالکو همراه با مکاتبه هر روزه و مراجعه به معاونت وزیر معادن و فلزات و حتی ملاقات با شخص وزیر وضع مواد اولیه بهتر شد و تعاونی ما در مقدار شمش که تعاونی ظروف آلومینیوم به خارج سفارش داده بود مشارکت کرد و سهم قابل توجهی از شمش مزبور به نفع تعاونی پروفیل آلومینیوم خریداری و بین اعضا توزیع شد، این امر قدری بحران نبود مواد اولیه را تسکین داد، ضمناً ایرالکو مقدار معتناهی بیلت و شمش وارد کرد که مقداری از آن به نفع تعاونی دریافت و بین اعضا توزیع گردید، که مقداری بیلت خریداری تعاونی بدلیل آنکه مواد اولیه در بازار فراوان شد روی دست تعاونی برای مدت طولانی ماند تا به فروش رسید.

زمین؛ وقتی رئیس جمهور وقت برای بازدید از شهرک صنعتی شمس آباد قرار شد به شمس آباد بیاید، تعاونی آلومینیوم از ایشان دعوت بعمل آورد تا از زمینهایی که تا آن موقع مقداری از فاز اول آن فقط خاکبرداری شده بود بازدید کنند و سپس در آذرماه همان سال ۱۳۷۵ از وزیر تعاون وقت دعوت بعمل آمد که به شهرک بیاید و کلنگ شروع عملیات ساختمانی شهرک را به زمین بزنند، ایشان با تعدادی از معاونان و مدیرکل های وزارت تعاون آمدند و یکی از زمینها که صاف شده بود چادر زده شد و با مقداری صندلی اجاره ای مراسم معرفی شهرک انجام شد و کلنگ شروع کارهای ساختمانی شهرک در محل بورس فعلی به زمین زده شد.



● عده ای مانند هند جگرخوار نق زدند

و گفتند امکان آوردن برق به این شهرک

وجود ندارد و آنچه هیئت مدیره

می گوید دروغ است، بعد از روشن

شدن برق در هر کارخانه ای گفتند این

آخرین است و از همکاری از اعضا

با تعاونی جلوگیری می کردند



سال ششم - شماره ۵۱
۲۰ آبان تا ۲۰ آذر ۱۳۸۷